



WWW.IR

سرشناسه	: الهی دوست، حمید، ۱۳۴۲ -
عنوان قراردادی	: المیزان فی تفسیر القرآن. فارسی. برگزیده. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: تضمین نحوی در قرآن از منظر المیزان / حمید الهی دوست، براتعلی حق شناس، روح الله واعظی.
مشخصات نشر	: قم: نسیم حیات، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۲ ص: مصور، جدول.
شابک	: ۳۰۰۰۰ ریال : 978-600-440-102-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه : ۲۲۸ - ۲۳۲.
موضوع	: طباطبائی، محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰. المیزان فی تفسیرالقرآن-- نقد و تفسیر
موضوع	: قرآن -- صرف و نحو Qur'an -- Grammar
موضوع	: قرآن -- مسائل لغوی Qur'an -- Language, Style
موضوع	: قرآن -- علوم قرآنی Qur'an -- Qur'anic sciences
موضوع	: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴
موضوع	: Qur'an -- Shiite hermeneutics -- 20th century
موضوع	: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ -- نقد و تفسیر
موضوع	: interpretation & Qur'an -- Shiite hermeneutics -- 20th century -- Criticism
موضوع	: زبان عربی -- نحو
شناسه افزوده	: حق شناس، براتعلی، ۱۳۴۰ -
شناسه افزوده	: واعظی، روح الله، ۱۳۶۳ -
شناسه افزوده	: طباطبائی، محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰. المیزان فی تفسیرالقرآن. برگزیده. شرح
رده بندی کنگره	: BP ۹۸ / ط ۲۵ م ۹۰۴۲۱۲ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۱۷۲۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۴۷۲۳۳۸

تضمین نحوی در قرآن از منظر المیزان

مؤلفان: حمید الهی دوست، براتعلی حق شناس، روح الله واعظی

ناشر: انتشارات نسیم حیات

صفحه آرایی: سید محسن موسوی

نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۰-۱۰۲-۹

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۳۰/۰۰۰ تومان

مرکز پخش

قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۳

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۹۷۵۰-۲ / ۰۲۵-۳۷۷۴۹۵۳۳ / تلفکس: ۰۲۵-۳۷۷۴۹۵۳۳

همراه: ۰۹۳۵۸۸۳۲۷۳۳

تضمین نحوی در قرآن

از منظر المیزان

حمید الهی دوست

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

واحد اصفهان

بر اتعلی حق شناس

روح الله واعظی

تقدیم بہ:

محضر مبارک صدیقہ ی ظاہرہ حضرت فاطمہ ی زہرا سلام اللہ علیہا

و

روح پر فتوح علامہ سیّد محمد حسین طباطبائی رضوان اللہ تعالیٰ علیہ.

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
	بخش اول:
۱۹	کلیات و مفاهیم
۲۱	فصل اول: کلیات
۲۱	بیان مسأله و تعیین قلمرو آن
۲۲	علت تقسیم تضمین به موارد تضمین قطعی و احتمالی
۲۳	اهداف و فوائد پژوهش
۲۵	پیشینه پژوهش
۲۵	پیشینه منابع
۲۶	پیشینه تضمین
۲۷	پیشینه تضمین در احادیث اهل بیت
۲۸	پیشینه تضمین در کتب لغت
۲۹	پیشینه تضمین در کتب تفسیر
۳۰	پیشینه تضمین در کتب نحو
۳۱	امتیاز و کاربرد این پژوهش

۳۲ قلمرو بحث و روش آن
۳۳ فصل دوم: مفاهیم
۳۳ قرآن
۳۴ تضمین
۳۵ اشارات
۳۵ سید محمد حسین طباطبایی
۳۷ المیزان فی تفسیر القرآن
۳۹ اولین مورد تضمین در تفسیر «البیان» و «المیزان»
۴۱ وجوه
۴۱ انواع تضمین
۴۹ آراء علمای نحو و تفسیر درباره‌ی تضمین
۴۹ آراء علمای نحو
۵۲ آراء علمای علم تفسیر
۵۴ آیا تضمین قیاسی است یا سماعی؟
۵۴ دیدگاه نحویان
۵۶ دیدگاه مفسران
۵۸ آیا تضمین حقیقت است یا مجاز یا کنایه؟
۵۹ معیارهای تشخیص موارد تضمین قطعی و احتمالی
۵۹ معیارهای تشخیص موارد تضمین قطعی
۵۹ معیارهای تشخیص موارد تضمین احتمالی
۶۰ شواهد و قرائن تضمین
۶۰ تفاسیری که بیشتر از بقیه به تضمین پرداخته‌اند

بخش دوم:

- موارد تضمین قطعی در قرآن از منظر تفسیر «المیزان» ۶۳
- فصل اول: موارد تضمین قطعی مصرح در قرآن از منظر تفسیر «المیزان» ۶۵
- ۱- حرف الف ۶۶
- ۱-۱ اذِن ۶۶
- ۲-۱ اَفْک ۶۷
- ۳-۱ اَکَل ۶۸
- ۴-۱ اِیْلَاء (الو) ۶۹
- ۲- حرف تاء ۷۱
- ۱-۲ تَبِع ۷۱
- ۲-۲ تَلَاوَه (تلو) ۷۲
- ۳- حرف حاء ۷۴
- ۱-۳ «حَبَّ» با حرف جرّ «عَنْ» ۷۴
- ۲-۳ حَبَّ با حرف جرّ «عَلَى» ۷۵
- ۴- حرف خاء ۷۷
- مخالفه (خلف) ۷۷
- ۵- حرف دال ۷۸
- تدبیر (دبر) ۷۸
- ۶- حرف راء ۷۹
- ۱-۶ رَأَى (رؤیه) ۷۹
- ۲-۶ رَفَث ۸۸
- ۳-۶ رَکَب ۸۹
- ۷- حرف سین ۹۰
- ۱-۷ سَأَلَ الی ۹۰

- ۹۱ ۲-۷ سَأَلَ به
- ۹۳ ۳-۷ سلوک (سلک)
- ۹۴ ۴-۷ إستماع (سمع)
- ۹۵ ۸- حرف صاد
- ۹۵ صار یصور
- ۹۶ ۹- حرف طاء
- ۹۶ طوع
- ۹۹ ۱۰- حرف عین
- ۹۹ ۱-۱۰ عاد(عود)
- ۱۰۲ ۲-۱۰ عتو
- ۱۰۳ ۱۱- حرف غین
- ۱۰۳ ۱-۱۱ غدا (غدو)
- ۱۰۴ ۲-۱۱ غنی
- ۱۱۲ ۱۲- حرف قاف
- ۱۱۲ قضی
- ۱۱۶ ۱۳- حرف کاف
- ۱۱۶ ۱-۱۳ تکبیر(کبر)
- ۱۱۸ ۲-۱۳ کدح
- ۱۱۹ ۱۴- حرف لام
- ۱۱۹ لان (لین)
- ۱۲۰ ۱۵- حرف میم
- ۱۲۰ ۱-۱۵ مکر
- ۱۲۲ ۲-۱۵ تمکین (مکن)
- ۱۲۳ ۳-۱۵ مَنَع

- ۱۶- حرف نون ۱۲۴
- ۱-۱۶ نَصْرَ با حرف جرّ «الی» ۱۲۴
- ۲-۱۶ نَصْرَ با حرف جرّ «من» ۱۲۶
- ۱۷- حرف هاء ۱۲۸
- هدایت (هدی) ۱۲۸
- فصل دوّم: موارد تضمین قطعی در حروف از منظر تفسیر «المیزان» ۱۳۱
- ۱- حرف باء به معنای فی ۱۳۱
- ۲- حرف لام به معنای الی ۱۳۳
- بخش سوّم:
- موارد تضمین احتمالی در قرآن از منظر تفسیر المیزان ۱۳۹
- ۱- حرف ألف ۱۴۱
- ایمان (أمن) ۱۴۱
- ۲- حرف باء ۱۴۷
- ۱-۲ تبتل (بتل) ۱۴۷
- ۲-۲ بعث ۱۴۸
- ۲-۳ ابتغاء (بغی) ۱۴۹
- ۳- حرف ثاء ۱۵۱
- ۱-۳ تثاقل (ثقل) ۱۵۱
- ۲-۳ إثابه (ثوب) ۱۵۱
- ۴- حرف جیم ۱۵۳
- استجابہ ۱۵۳
- ۵- حرف حاء ۱۶۳
- حقیق (حقق) ۱۶۳
- ۶- حرف دال ۱۶۴

- ١٦٤ ١-٦ إدخال (دخل).....
- ١٦٤ ٢-٦ دنو.....
- ١٦٥ ٧- حرف ذال.....
- ١٦٥ ذلّة.....
- ١٦٦ ٨- حرف راء.....
- ١٦٦ ٨-١ ردّف.....
- ١٦٧ ٨-٢ رضی (رضو).....
- ١٧٢ ٨-٣ رضی به (رضو).....
- ١٧٦ ٩- حرف سین.....
- ١٧٦ اسراف (سرف).....
- ١٧٧ ١٠- حرف صاد.....
- ١٧٧ اصطناع (صنع).....
- ١٧٨ ١١- حرف ضاد.....
- ١٧٨ اضلال (ضلّ).....
- ١٨٢ ١٢- حرف عین.....
- ١٨٢ ١٢-١ عدا (عدو).....
- ١٨٣ ١٢-٢ عِلْم.....
- ١٨٦ ١٣- حرف فاء.....
- ١٨٦ تفضیل (فضل).....
- ١٨٨ ١٤- حرف قاف.....
- ١٨٨ ١٤-١ قضی.....
- ١٨٨ ١٤-٢ تقطّع (قطع).....
- ١٩٠ ١٥- حرف نون.....
- ١٩٠ انفاق (نفق).....

- ۱۶- حرف واو ۱۹۲
- ۱-۱۶ مودّة ۱۹۲
- ۱۶-۲ توصیه (وَصَّی) ۱۹۷
- ۱۷- حرف یاء ۱۹۹
- یأس ۱۹۹
- الحاق: موارد پندار تضمین (تضمین های دارای ابهام) ۲۰۱
- ۱- حرف حاء ۲۰۱
- احاطه (حوط) ۲۰۱
- ۲- حرف باء ۲۰۲
- استبدال (بدل) ۲۰۲
- ۳- حرف ثاء ۲۰۳
- یثیت (ثبت) ۲۰۳
- چراغ راه آیندگان ۲۰۵
- خاتمه و نتیجه‌ی مباحث ۲۰۶
- پیوست: جدول تعداد آیه‌ها و تعداد موارد انجام گرفته در این پژوهش ۲۰۷
- پیوست: جدول فهرست موارد تضمین به ترتیب سوره‌های قرآن ۲۰۸
- فهرست منابع و مآخذ ۲۲۸

مقدمه:

قرآن، اولین مصدر تشریح است و بیشترین نقش را در پی‌ریزی معارف و احکام دینی و شکل‌گیری و بالندگی علوم اسلامی ایفا کرده است. قرآن ثقل اکبر است که سعادت و رستگاری انسان را تضمین می‌کند و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام مسلمانان را به فراگیری، فهم، حفظ و نشر معارف آن ترغیب بسیار کرده‌اند. تلاش عالمان و مفسران در طول تاریخ در خور تکریم و تقدیر است. آن بزرگواران در راه حراست و نگهداری این میراث گرانبخت نبوت رنج‌های فراوانی را بر خود هموار نمودند. برای فهم و تبیین مفاد آیات کریمه‌ی قرآن، شناختن نکاتی که ساخت و قالب‌های ترکیبی و موقعیت ویژه‌ی کلمه‌ها و جمله‌های آیات بر آن دلالت دارند، لازم و ضروری است و تفسیر آیات بدون شناخت امور یادشده، ناقص خواهد بود. روشن است که دستیابی به این امور تنها از طریق قواعد ادبیات عرب میسر است که در علم صرف، نحو و معانی و بیان آمده است و ادبیات عرب در فهم قرآن نقش مؤثری دارد که حتی اهل بیت علیهم‌السلام که خود معدن علم و محل نزول وحی هستند، در تفسیر به قواعد یا نکات ادبی استناد کرده‌اند مانند این حدیث که امام باقر علیه‌السلام در پاسخ به سؤال زراره در مورد دلیل

کفایت مسح مقداری از سر فرمودند: «أَنَّ الْمَسْحَ بِبَعْضِ الرَّأْسِ لِمَكَانِ الْبَاءِ»^۱ یعنی زراره را به تبعیضیه بودن «باء» رهنمون ساختند. البته تشخیص نکات ادبی نیاز به تبخّر در این علوم دارد که کار ساده‌ای نیست. یکی از مباحث مهم و کاربردی در علم نحو، باب تضمین است. از میان مفسران بزرگ، مرحوم سید محمد حسین طباطبایی به این امر مهم پرداخته و موارد تضمین در آیات قرآن را متذکر گردیده است. باب تضمین، نقش تعیین‌کننده‌ای در ترجمه و تفسیر قرآن کریم دارد و بدون توجه به آن، ترجمه و تفسیر دقیقی به دست نمی‌آید. علاوه بر اینکه به کمک شناخت موارد تضمین در قرآن می‌توان ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن را مورد نقد قرار داد. بنابر این، تضمین، یک نوع نگاه ادبی لغوی به واژگان قرآن است که در ترجمه و تفسیر آیات نقش‌آفرین است. تضمین نحوی یکی از ظرافت‌های کلام عرب است که استفاده از آن به کلام زیبایی خاصی می‌بخشد و با جستجو در قرآن کریم آیات زیادی یافت می‌شوند که تضمین در آنها به کار رفته است. عالمان و بزرگان دین بر تحقیق در باب تضمین برای آشنایی بیشتر با عظمت ادبی قرآن تأکید می‌کنند. البته باب تضمین اختصاص به قرآن ندارد و در احادیث و اشعار و کلام عرب کاربرد زیادی دارد. با دقت نمودن در پیشینه‌ی تضمین در احادیث و در علم نحو و لغت و تفسیر معلوم می‌گردد که عالمان از زمان اهل بیت علیهم‌السلام به بحث تضمین توجه خاصی داشته‌اند.

موضوع این نوشتار، وجوه تضمین نحوی در قرآن از منظر تفسیر «المیزان» است. در این نوشتار، تضمین نحوی و اقسام آن در تفسیر «المیزان» مورد پژوهش قرار گرفته است و در این تفسیر ارزنده از همان ابتدا به تضمین نحوی توجه شده

۱. من لایحضره الفقیه، جلد ۱، ۱۰۳، باب التیمم، صفحه ۱۰۲: «وَقَالَ زُرَّارَةُ قُلْتُ لَأَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام أَلَا تَخْبِرُنِي مِنْ أَيْنَ عَلِمْتَ وَ قُلْتَ إِنَّ الْمَسْحَ بِبَعْضِ الرَّأْسِ وَ بَعْضِ الرَّجْلَيْنِ فَضَحَكَ وَ قَالَ يَا زُرَّارَةُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وَ نَزَلَ بِهِ الْكِتَابُ مِنَ اللَّهِ لَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ - فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ فَعَرَفْنَا أَنَّ الْوَجْهَ كُلَّهُ يَنْبَغِي أَنْ يُغْسَلَ ثُمَّ قَالَ وَ أَيْدِيكُمْ إِلَى الْمِرْفَاقِ فَوَصَلَ الْيَدَيْنِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ بِالْوَجْهِ فَعَرَفْنَا أَنَّهُ يَنْبَغِي لَهُمَا أَنْ يُغْسَلَا إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ ثُمَّ فَصَلَ بَيْنَ الْكَلَامِ فَقَالَ - وَ امْسَحُوا بِرُؤْسِكُمْ فَعَرَفْنَا حِينَ قَالَ بِرُؤْسِكُمْ أَنَّ الْمَسْحَ بِبَعْضِ الرَّأْسِ لِمَكَانِ الْبَاءِ ثُمَّ وَصَلَ الرَّجْلَيْنِ بِالرَّأْسِ كَمَا وَصَلَ الْيَدَيْنِ بِالْوَجْهِ...»

است. روش تحقیق این پژوهش عبارت است از: آموزه‌های آمیزه‌ای که تلفیقی از مباحث نقلی و حیانی و مباحث زبانی و ادبی می‌باشد و این اطلاعات و داده‌ها از اسناد نوشتاری و نرم‌افزارهای علمی گردآوری شده است. تضمین به این معنا است که به لفظی معنای لفظ دیگری را اشراب کند و در نتیجه حکم آن را پیدا کند. تضمین دارای اقسامی است که در قالب چهار تقسیم‌بندی بیان می‌شود:

۱- تضمین در افعال، تضمین در اسم‌ها و تضمین در حروف؛ ۲- تضمین قطعی و تضمین احتمالی؛ ۳- تضمین أخذ و أخذ و تضمین أخذ و رفض؛ ۴- تضمین مصرح و تضمین غیر مصرح.

تضمین قطعی، تضمینی است که به صورت یقینی تضمین محسوب شده است. تضمین احتمالی، تضمینی است که در تفسیر «المیزان» به تضمین بودن آن تصریح نشده و احتمال داده می‌شود که تضمین اراده شده باشد.

برای به دست آوردن مبانی نگارنده‌ی تفسیر «المیزان» تمامی موارد تضمین مصرح بررسی گردید. نتیجه‌ی به دست آمده این شد که در تفسیر «المیزان» همه‌ی اقسام تضمین پذیرفته شده است و برای هر چهار نوع تقسیم‌بندی با همه‌ی اقسام آنها آیاتی بیان شده است، ولی در این نوشتار، تضمین در افعال به طور جامع بررسی گردیده است. منظور از «وجوه تضمین» در این پژوهش، همان انواع تضمین است که در قالب چهار تقسیم‌بندی ارائه گردیده و همچنین مراد از «وجوه تضمین»، سبب و علت تضمین است. بنابر این هر کجا که در تفسیر «المیزان» سبب و وجه تضمین با صراحت بیان شده باشد و یا ظهور در آن سبب داشته باشد در این نوشتار ذکر گردیده است. در این پژوهش از تفسیر «المیزان» ۲۴۴ آیه درباره‌ی تضمین ذکر شده با این تفصیل که ۱۳۱ مورد از موارد تضمین قطعی و ۱۱۰ مورد از موارد تضمین احتمالی می‌باشد و گردآوری ۱۳۱ مورد از موارد تضمین قطعی از تفسیر «المیزان» دلیل بر اثبات مبحث تضمین و دلیل بطلان کلام منکران باب تضمین می‌باشد که خود، یکی از یافته‌های این پژوهش است.

تفحص در کلمات مفسران و علمای علم نحو چنین نتیجه می‌دهد که قیاسی

بودن تضمین از قوت بیشتری برخوردار است؛ زیرا که قائلان به این مطلب که تضمین قیاسی است بسیار فراوان هستند و از طرفی ابن جنی^۱ نوشته است که:

«من در لغت، موارد بسیاری از این فن (تضمین) را یافتم که قابل احاطه نیست و شاید اگر جمع‌آوری گردد کتاب قطوری تألیف می‌گردد.»

علاوه بر اینکه عباس حسن^۲ قول مجمع لغت عربیه را نقل نموده و نوشته که: «مجمع علمای لغت عربی با سه شرط تضمین را قیاسی می‌دانند: ۱- مناسبت بین دو فعل وجود داشته باشد. ۲- قرینه‌ای بر لحاظ فعل دیگر دلالت کند و ایمن از اشتباه باشد. ۳- آن تضمین با ذوق عرب از جهت بلاغت تناسب داشته باشد.»

بنابر این قیاسی بودن تضمین ارجح است و کسی که آگاه به لغت عرب و اسرار آن باشد و سه شرط مذکور را رعایت کند می‌تواند از تضمین استفاده کند. چگونه باب تضمین سماعی شمرده شود در حالی که علمای علم بلاغت و لغت از آن استفاده می‌کنند و موارد متعددی در قرآن و روایات وارد شده است که بر مبنای تضمین است.

بنابر آنچه گفته شد این پژوهش برای چند دسته از طالبان علم مفید است که عبارتند از: ۱- کسانی که نکات ادبی و عظمت ادبی قرآن را استخراج و جمع‌آوری می‌کنند. ۲- کسانی که مباحث تفسیر «المیزان» را به صورت موضوعی یا به صورت تفسیر آیات مشکله دنبال می‌کنند چون بدون توجه به تضمین، تفسیر دقیق آیاتی که تضمین دارند ممکن نیست. ۳- کسانی که معنای دقیق واژگان قرآنی را همچون مترجمان قرآن دنبال می‌کنند، چون بدون توجه به

۱. الخصائص (ابن جنی)، جلد ۲، صفحه ۹۳: «لَمَّا كَانَ مَعْنَى قَدْ قَتَلَهُ: قَدْ صَرْفَهُ، عَدَاهُ بَعْنُ وَ وَجَدَتْ فِي اللُّغَةِ مِنْ هَذَا الْفَنِّ شَيْئًا كَثِيرًا لَا يَكَادُ يَحَاطُ بِهِ؛ وَ لَعَلَّهُ لَوْ جُمِعَ أَكْثَرُهُ (لَا جَمِيعُهُ) لَجَاءَ كِتَابًا ضَخْمًا؛ وَ قَدْ عَرَفْتُ طَرِيقَهُ.»

۲. النحو الوافي مع رطبه بالأساليب الرفيعة والحياة اللغوية المتجددة، جلد ۲، صفحه ۵۴۴: «مجمع اللغة العربية يرى أنه قياسي لا سماعي بشروط ثلاثة: الأول: تحقق المناسبة بين الفعلين، الثاني: وجود قرينة تدل على ملاحظة الفعل الآخر، و يؤمن معها اللبس و الثالث: ملائمة التضمين للذوق البلاغي العربي.»

تضمین، ترجمه‌ی دقیق قرآن ممکن نیست. از طرفی باید توجه داشت که این پژوهش دارای فوایدی می‌باشد که عبارتند از: ۱- آیاتی که برخی توهّم خطا می‌کنند قاعده‌مند می‌گردد. ۲- شناسایی زیبایی‌های کتاب الهی با این توضیح که در قرآن واژه‌های زیادی به کار رفته که در باب تضمین جای دارد به این معنا که یک فعل دو معنا را می‌رساند: معنای اصلی خود همان فعل و معنای فعلی که در آن تضمین شده است. ۳- آیاتی که دشمن دستاویز خود نموده و به قرآن اشکال ادبی وارد نموده، به وسیله‌ی باب تضمین، نقطه قوت و زیبایی قرآن محسوب می‌شود. (تفسیر آیات مشکله). ۴- خارج نمودن کلام از محذور. ۵- متعدی نمودن فعل لازم یا دو مفعولی نمودن فعل متعدی به یک مفعول. ۶- آهنگین و زیبا شدن کلام. ۷- تضمین، قول باطلی را در تفسیر یک آیه نقد می‌کند و یا قول صحیحی را تقویت می‌کند. به عنوان مثال با توجه به کلام مرحوم علامه در «المیزان» در تفسیر سوره‌ی بقره، آیه ۲۶۰ می‌توان وجه و سبب تضمین و نقد نمودن یک نظریه‌ی باطل را دریافت:

﴿قَالَ فَخَذُ مِنْ الطَّيْرِ فَضْرَهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ

جُزْءًا﴾؛ فرمود: چهار پرندۀ از این پرندگان را بگیر، سپس آنها را در حالی که با خود مأنوس ساخته‌ای بکش و قطعه‌قطعه کن، آنگاه بر هر کوهی بخشی از آنها را قرار ده.

با این توضیح که: کلمه «صرهن» از (صار- یصور) است و چون با حرف «الی» متعدی شده، دلالت می‌کند بر اینکه علاوه بر معنای «قطعه‌قطعه کردن» متضمّن معنای «متمایل کردن» نیز هست. مرحوم علامه پنج دلیل از مفسّری را بیان می‌کند که این آیه فقط مثل است و ماجرای سر بریدن پرندگان توسط حضرت ابراهیم علیه السلام رخ نداده است. دلیل اوّل آن مفسّر این است که «فَصْرُهُنَّ إِلَيْكَ» به معنای «آنها را به سوی خود متمایل کن» است و به معنای «قطعه‌قطعه کردن» نیست. ولی مرحوم علامه هر پنج دلیل را ردّ می‌کند و دلیل اوّل را این گونه ردّ می‌کند که «فَصْرُهُنَّ إِلَيْكَ» علاوه بر معنای «قطعه‌قطعه کردن» متضمّن معنای «متمایل کردن» نیز

هست. بنابراین فایده‌ی تضمین این است که یک نظریه‌ی باطل را نقد می‌کند.^۱ این نوشتار برای پر شدن خلأ پژوهشی موجود پیرامون کاربرد تضمین در قرآن نگارش شد. امید است مورد توجه قرآن‌پژوهان و قبول ایزد منان قرار گیرد. ان شاء الله.

WWW.KETAB.IR

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲، صفحه ۳۷۴: «قوله تعالى: قَالَ فَخَذُ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصَرَّهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا. صرهن بضم الصاد على إحدى القراءتين من صار يصور إذا قطع أو أمال، أو بكسر الصاد على القراءة الأخرى من صار يصير بأحد المعنيين، وقرائن الكلام يدل على إرادة معنى القطع، و تعديته بالي تدل على تضمين معنى الإمامة. فالمعنى: أقطعهن ممبلا إليك أو أملهن إليك قاطعا إياهن على الخلاف في التضمنين من حيث التقدير».